

اجتهاد در معنای فقه

همراه

چند مقاله دیگر

تألیف: نویسنده:

مرحوم آیت الله نعمت الله صالحی نجف آبادی

سرشناسه	:	صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله، ۱۳۸۵-۱۳۰۳.
عنوان و نام پدیدآور	:	اجتهاد در معنای فقه همراه چند مقاله دیگر/نویسنده نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی.
مشخصات نشر	:	تهران : امید فردا، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	:	۸۱ص: ۱۴/۲۱x۵/۵/۵م.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۷۳۹۸-۹۶-۰
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	:	اسلام -- مقاله ها و خطابه ها Addresses, essays, lectures -- Islam اجتهاد -- مقاله‌ها و خطابه‌ها Ijtihad (Islamic law) -- Addresses, essays, lectures
رده بندی کنگره	:	۵/۱۰BP
رده بندی دیویی	:	۰۸/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۵۷۰۶۶۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیا

انتشارات امید فردا

اجتهاد در معنای فقه

همراه چند مقاله دیگر

مرحوم آیت الله نعمت الله صالحی نجف آبادی

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۹۸-۹۶-۰

چاپ اول : ۱۴۰۳

شمارگان : ۲۰۰ نسخه

قیمت : ۹۰۰۰۰ تومان

نشانی : تهران - میدان انقلاب - ابتدای خ آزادی - ابتدای جمالزاده

جنوبی - کوچه دانشور - پلاک ۲ - واحد ۵

تلفکس : ۶۶۹۱۷۴۴۹ تلفن : ۶۶۹۱۳۵۶۸ - ۰۹۳۵۷۶۰۸۵۰۳

فهرست مطالب

۷	 به عوض پیشگفتار
۱۳	 اجتهاد در معنای فقه
۲۸	 اصل محور نسبت
۳۰	 رابطه عقل و وحی
۴۱	 تعدّد زوجات
۵۷	 بحث در آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵ بقره
۶۴	 پاسخ به نامه های یکی از برادران اهل سنت
۷۶	 قول به نسخ بعضی آیات به سلیقه ی شخصی

به عوض پیشگفتار

صالحی نجف آبادی، مرد آزادی در اندیشه

در روز یکشنبه، ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۸۵، مردی نقاب در چهره‌ی خاک کشید که شاید بعد از او حتی در همین دوران نتوان در سرزمین ایران مانند او را از جهات مختلف در سطح جامعه به خصوص در حوزه‌های علمی و مراکز دانشگاهی و محافل دینی و فرهنگی یافت.

صالحی نجف آبادی، با نوشتن کتاب شهید جاوید، اولین گام را در نواندیشی دینی و دگراندیشی اعتقادی در حوزه‌های علمی برداشت و جرقه‌های اولیه را در ذهن طلاب و دانشجویان شعله‌ور ساخت که باید مراکز حوزوی از حالت سنتی و اصول‌گرایی خارج گردد و تحولی در اذهان ایجاد نماید^۱ و می‌باید برای زمان و مکان موضع

^۱ کتاب شهید جاوید خالی از اشکال نمی باشد و نقدهای زیادی بر آن نوشته شده است؛ از قبل شهید آگاه، سرگذشت شهید جاوید که به صورت کتاب به چاپ رسیده است و مقالات زیادی بر علیه شهید جاوید به رشته ی تحریر درآمده است؛ مانند نظرات شهید مرتضی مطهری که هم درس و دوست او بوده است. در کل تمام افکار و نظریات مرحوم صالحی نجف آبادی دارای اشکالات و نواقصی است که جای ایراد گرفتن دارد که مرحوم صالحی نجف آبادی در کتاب عصای موسی یا نقدی بر نقدها به آن ها جواب صریح داده است.

بگیرد؛ گرچه کسان دیگری نیز بودند که دارای این چنین ایده‌ها و افکار و آرای شاذ و نادری در زمینه‌ی مسایل فقهی و حتی تاریخی و سیاسی و اجتماعی بوده‌اند، ولیکن به خود جرأت نمی‌دادند بی‌پروا و بدون ترس و رعب و وحشت از محیط و اطرافیان خود آرای بکر و تازه‌ای و مخالف عرف مردمی و فقه سنتی را بیان نمایند و صالحی نجف‌آبادی این کار خطیر را بدون هراس از مدح و ذم دیگران انجام داد و درحالی که بیش از ۳۸ سال از نوشتن این کتاب در زمان مرگ او می‌گذشت، ایشان هیچ‌گاه از افکار و آرا و عقاید خود عدول ننموده بود و حتی تا زمان مرگش، مردی راسخ و پابرجا بر ایده‌های دینی و اعتقادی و تاریخی و سیاسی خود بوده است و می‌توان از ویژگی‌های منحصر به فرد او را در موارد زیر برشمرد:

۱- در دورانی که بیش‌تر روشن‌فکران و علمای وابستگی حکومتی یا حزبی، گروهی و یا وابسته به بازار و سرمایه‌داری بوده‌اند و نمی‌توانسته‌اند برطبق سلیقه‌ی خود چیزی را بنویسند و به عبارتی آزادی در اندیشه داشته باشند، مردی قدم به عرصه‌ی علمی جامعه گذارد و زیانزد خاص و عام گردید. صالحی نجف‌آبادی از معدود و نوادر کسانی بود که آزادی در اندیشه را مبنای کار فکری و اعتقادی خود قرار داد و آن‌چنان افکار و آرای بکر و نادر خود را در جامعه به‌خصوص در محافل دینی و فرهنگی و دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه شایع و رایج کرد که به یکباره متحجرین و تنگ‌نظران را غافلگیر کرد و آنان نیز اسباب طرد او را فراهم کردند و حتی بعد از نوشتن شهید جاوید، شهریه‌ی او را قطع کردند، ولی کسی که جوهر و خمیرمایه‌ی فکریش آزادی در اندیشه و آزادی باشد، ازپای نمی‌ایست؛ او نیز با این حال، قدم در صحنه‌های

مسائل فقهی و سیاسی گذاشت و قلم به دست گرفت و با افتخار آثار گرانبهایی از خود برجای گذارد که هریک از آثار او را می توان منبع و مرجع تحقیق علمی و فنی اندیشه و حریت در بیان افکار بکر و نادر تلقی کرد.

۲- او، هیچ وقت از مدح و ذم دیگران هراسی به خود راه نداد و جواب منتقدان خود را با سعه صدر و حوصله و با خلق و خوی نیکو و با منطق و مستدل می داد و نقد دیگران را نسبت به خود به فال نیک می گرفت؛ نمونه ی بارز آن، نگاهی اجمالی به کتاب هایی است که در نقد شهید جاوید نوشته شده است که شاید بیش از ده ها جلد باشد و او بود که با حوصله ی فراوان آن کتب و مقالات و نوشته ها را مطالعه و جواب آنان را با منطق و استدلالات محکم و استوار در کتاب عصای موسی یا درمان بیماری غلو (نقدی بر نقدها) بیان کرده است و حتی در زمانی که آقای رضا استادی، کتاب سرگذشت شهید جاوید را در نقد شهید جاوید و سخنان آقای صالحی نجف آبادی نوشت، مرحوم صالحی سعی کرد جوابی مستدل و منطقی و جامع و مفصل براین کتاب قطور بنویسد، ولیکن به علت بیماری و کهولت سن نتوانست کار را به اتمام رساند و جوابیه ی خود را به طور موجز و مختصر در چند صفحه با نوشتاری زیبا و قلمی وزین، منطقی و مستدل نوشت که در آخرین مقاله ی کتاب قضاوت زن در فقه اسلامی همراه چند مقاله ی دیگر آمده است، او از جواب به نقد دیگران احساس شور و شغف می کرد و دوست داشت که همیشه نقدی بر افکار او زده شود تا او به نقاط ضعیف و قوت خود آگاه گردد.

۳- برای او مهم نبود که چه کسی را نقد نماید، زیرا به عبارت حیات العلم بالنقد والرّد، اعتقاد راسخ و کامل داشت و می دانست بقا و ماندگاری یک اثر و زنده و پویا بودن یک علم و دانش، به نقد و بررسی و رد کردن آن می باشد؛ به همین جهت وقتی که کتاب نگاهی به حماسه‌ی حسینی استاد شهید مرتضی مطهری را نوشت تنگ نظران و متحجران او را از این کار منع کردند و حتی نقد استاد مطهری را نوشت تنگ نظران و متحجران او را از این کار منع کردند و حتی نقد استاد مطهری را مذموم می دانستند و به همین سبب نگذاشتند کتاب مربوطه توزیع و پخش شود و سرانجام خمیر گردید و زحمات چندین ساله‌ی مرحوم صالحی در مورد تجزیه و تحلیل قیام امام حسین بی نتیجه و راکد و ساکت ماند، زیرا با توجه به تراوشات فکری استاد می توان برداشت نمود که او نمی خواست باب علم و اجتهاد مسدود شود و او آن قدر وارسته و افتاده و متواضع بود که نقد دیگران را بر خود بپذیرد. آن هم نقد دوستی ارجمند را که هم حجره و هم درس و رفیق او بود.

صالحی نجف آبادی، در کتاب عصای موسی یا درمان بیماری غلو (نقدی بر نقدها)، جواب های متفاوتی به چندین منتقد خود داده است؛ از جمله جوابی که به استاد علامه طباطبائی، صاحب تفسیر المیزان در مورد علم امامت داده که متأسفانه افراد متحجر و سنت گرا آن را به فال بد گرفته و او را مورد سرزنش قرار داده و به یکباره بر عبارت حیات العلم بالنقد والرّد، خط بطلان و بی منطقی کشیده اند.

۴- صالحی نجف آبادی، از تعصب به دور بود؛ تعصبی که آمیخته از میل، جهل و کین می باشد، مسایل فقهی را تعقل می کرد و با مقایسه‌ی دقیق با کتاب و سنت به تجزیه و

تحلیل آن‌ها می‌پرداخت و هیچ‌وقت مطلبی را تعبدی نمی‌پذیرفت. کتاب پژوهشی جدید در چند مبحث فقهی، عمق این مسأله را برای خواننده معین می‌سازد؛ مثلاً کافر را از نظر رفتاری نجس می‌دانست، نه از نظر جسمانی. در مبحث اجتهاد باز و بسته، آن‌قدر عالمانه و منطقی قلم زده است که انسان را به شگفتی وامی‌دارد و تخصص را فقط مخصوص فقها نمی‌داند و عنوان می‌کند هرکس در رشته‌ای که تبحر دارد در آن رشته متخصص و صاحب‌نظر نیز می‌باشد؛ مثلاً اگر یک موش در دیگ غذایی که در حال پختن باشد بیفتد، علما می‌گویند که آن غذا نجس و مضر می‌باشد، بدون این‌که به متخصص علوم تغذیه مراجعه کنند، ولی او می‌گوید اگر متخصص علوم تغذیه نظر داد که غذای مذکور نجس و مضر بوده است، ما می‌پذیریم و کاری به نظر فقها نداریم؛ به این مسأله می‌گویند دوری از تعصب و تعبد بودن و معقول و منطقی فتوا دادن و فکر کردن.

۵- مرحوم صالحی، معتقد بود هرکس هر نظری در مورد مسایل فقهی و اعتقادی و سیاسی و فرهنگی دارد باید اظهار نماید و اگر کسی نقد بر این مسایل دارد عنوان نماید تا بدین وسیله یک نظر پابرجا بماند و انسان می‌باید چیزی بنویسد که در جامعه موج ایجاد کند تا بدین صورت جامعه به پویایی و جنبش یفتد.

۶- دونفر در جامعه‌ی کنونی ایران تحولی در نگرش فکری دانشجویی و طلاب حوزه‌های علمیه ایجاد کردند، یکی دکتر علی شریعتی بود یا تر کسانی که در راه میهن و دین شهید شدند حسینی رفتند و کسانی که مانده‌اند باید زینبی باشند و همین مسأله تحولی در فکر دانشجویان برای پویایی و جنبش و تلاش به‌وجود آورد و دیگر

آیت الله نعمت الله صالحی نجف آبادی بود که در کتاب شهید جاوید و در حوزه اعلام کرد امام حسین برای شهادت قیام نکرد، بلکه برای حکومت اسلامی و برقراری عدل و عدالت قیام کرد و همین مسأله باعث شد که حوزویان برای به دست گرفتن حکومت به پا خیزند.

در ختم نوشتار، خصایص و فضایل فراوانی برای او می توان برشمرد که فرصتی مناسب و قلمی شیوا می طلبد که از این بنده ی حقیر برنمی آید.

داوود علی بابایی

نویسنده و مدیر مسئول نشر امید فردا

www.ketab.ir